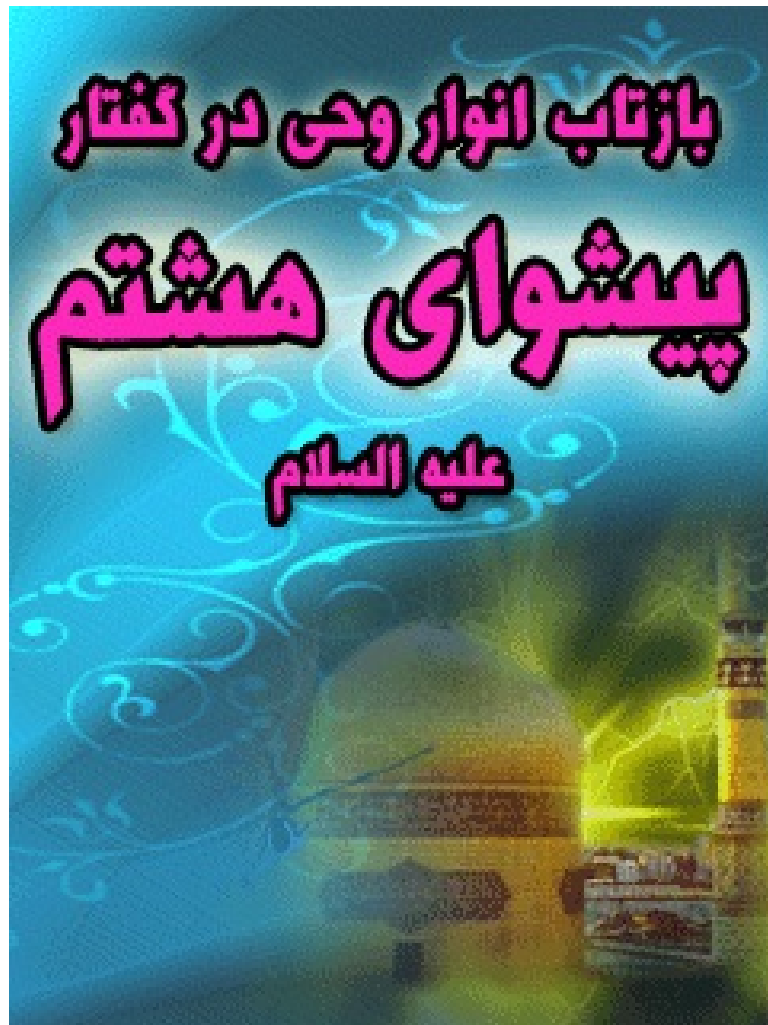


سَلَامٌ عَلَيْهَا  
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بازتاب انوار وحی در گفتار پیشوای هشتم

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... بازتاب انوار وحی در گفتار پیشوای هشتم
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... دلداده آیات وحی
۶	..... برتری عترت در قرآن
۸	..... ولایتعهدی چرا؟
۸	..... شریک در عبادت
۸	..... نیرنگ طاغوت
۹	..... هشدار به متولیان بیت المال
۱۰	..... جلوگیری از تفسیرهای نادرست
۱۱	..... پاورقی

## بازتاب انوار وحی در گفتار پیشوای هشتم

## مشخصات کتاب

مقاله بازتاب انوار وحی در گفتار پیشوای هشتم به نقل از مجله فقه و مجله اصول «مبلغان» اسفند ۱۳۸۳ و فروردین ۱۳۸۴ - شماره ۶۴ عبدالکریم پاک نیا

## مقدمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشات خویش برای امت اسلام از دو امانت گرانسنگ و ارزشمند یاد کرده و فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ؛ [۱] من در میان شما دو امانت گرانسنگ می گذارم، کتاب خدا و عترت من و آن دو هیچگاه از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند.» طبق این گفتار مهم رسول الله صلی الله علیه و آله، قرآن و عترت تا روز قیامت با هم بوده و تفکیک ناپذیرند. هر کس بخواهد به دامن قرآن پناه ببرد، بدون در نظر گرفتن راهنمایی‌ها و هدایت‌های اهل بیت علیهم السلام راه به جایی نخواهد بُرد، چرا که آنان چراغهای هدایت به سوی انوار معنوی قرآن هستند و لطائف و ظرائف و نکته‌های ناب قرآن، در نزد آن بزرگان است. در زیارت جامعه می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمِهِ اللَّهِ وَ حَفْظِهِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ» سلام بر آنانکه [دلهایشان] محل معرفت خداست و مسکن برکات حق و معدن حکمت پروردگار، آنانکه پاسداران رازهای الهی و حاملان کتاب خدا هستند. ابونواس شاعر در قصیده‌ای که برای امام رضا علیه السلام قرائت کرد به این حقیقت اشاره دارد: مُطَهَّرُونَ نَقِيَاتٍ ثِيَابُهُمْ تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا «آل پیامبر صلی الله علیه و آله دامنشان از هر گناه و آلودگی پاک و مطهر است و هرگاه نامی از آنان به میان آید، درود و سلام بر آنان فرستاده می شود.» فَانْتَمَّ الْمَلَأُ الْأَعْلَى وَ عِنْدَكُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ مَا جَاءَتْ بِهِ السُّورُ [۲]. «شمائید آن ملاء اعلی و نزد شماست علم کتاب و آنچه از سوره‌ها آمده است.» بر این اساس فهمیدن کلام خدا و راز و رمز آیه‌های قرآن، بدون رهنمودهای ائمه اطهار علیهم السلام کاری دشوار، بلکه ناممکن است. در این راستا به سراغ رهنمودهای حضرت رضا علیه السلام در زمینه آیات وحیانی کلام خدا رفته، بازتاب انوار درخشان وحی را در سیره و سخن آن حضرت به نظاره می نشینیم.

## دلداده آیات وحی

با مروری اجمالی به زندگانی پربرکت امام رضا علیه السلام روشن می شود که قرآن، در سیره و سخن آن گرامی جایگاه ویژه‌ای داشته و امام علیه السلام، زندگی روزمره خود را با آیه‌های وحی آنچنان عجین کرده بود که نور قرآن، در تمام ابعاد زندگی پرتو افشانی می کرد. ابراهیم بن عباس یکی از همراهان حضرت رضا علیه السلام در این زمینه می گوید: «وَ كَانَ كَلَامُهُ كَلْمًا وَ جَوَابُهُ وَ تَمَثُّلُهُ انْتِزَاعَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ [المجید] وَ كَانَ يَخْتُمُهُ فِي كُلِّ ثَلَاثٍ وَ [كَانَ] يَقُولُ لَوْ أَنِّي أَرَدْتُ أُخْتِمُهُ فِي أَقْرَبِ مِنْ ثَلَاثٍ لَخَتَمْتُ وَ لَكِنِّي مَا مَرَرْتُ بِأَيِّهِ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَ فِي أَيِّ شَيْءٍ أُنْزِلْتُ؛ [۳] همه سخنان، پاسخها و مثالهای آن حضرت، بر گرفته از قرآن مجید بود. هر سه روز یک بار قرآن را ختم می کرد و می فرمود: اگر بخواهم در کمتر از سه روز هم می توانم آن را ختم کنم. اما هرگز آیه‌ای را تلاوت نمی کنم، مگر اینکه در آن می اندیشم که درباره چه چیزی نازل شده است.» حضرت رضا علیه السلام در مورد پیروی از آیات الهی می فرمود: «قرآن کلام و سخن خداست، از آن نگذرید و هدایت را در غیر آن نجوید که گمراه می شوید.» [۴].

## برتری عترت در قرآن

مأمون عباسی در مهم ترین جلسه علمی که با حضور اندیشمندان و برجستگان ادیان و ملل و مذاهب مختلف در دربار حکومتی خویش ترتیب داده بود، از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا خداوند متعال عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟ امام با اشاره به آیاتی از قرآن، چنین فرمود: خداوند عزوجل فضیلت و برتری عترت رسول الله صلی الله علیه و آله را بر سایر مردم در کتاب محکم خویش، به طور واضح بیان کرده است. مأمون پرسید: این فضائل در کجای قرآن است؟ امام رضا صلی الله علیه و آله ضمن تلاوت آیات متعددی از قرآن و بیان دلالت صریح و روشن آن آیات بر برتری اهل بیت علیهم السلام و توضیحات لازم در آن موارد، این آیه را قرائت کرد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ [۱۳] «خداوند و فرشتگان او بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند و شما هم ای اهل ایمان! بر او صلوات بفرستید و تسلیم فرمان او شوید». آنگاه امام علیه السلام در توضیح سخن خود فرمود: مسلمانان بعد از شنیدن این آیه، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله! ما معنی تسلیم را فهمیدیم که باید تسلیم فرمان شما باشیم، اما چه گونه صلوات بگوئیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: می گوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [وَأَلِ مُحَمَّدٍ] كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ بر این اساس، خداوند متعال آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در کنار پیامبر قرار داده است. حضرت بعد از بیان این سخن، از حاضرین جلسه سؤال کرد که آیا در این سخن خلافتی هست؟ گفتند: نه. در این هنگام مأمون گفت: این سخن اجماعی است و هیچ اختلافی در میان امت اسلام در این زمینه وجود ندارد. اما از شما تقاضا می کنم در مورد برتری آل محمد صلی الله علیه و آله سخنی صریح تر و شفاف تر از این، از کلام خداوند بفرمائید! پیشوای هشتم علیه السلام فرمود: به نظر شما در این آیه شریفه: «يَس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» [۱۰]؛ «یس! قسم به قرآن حکیم که تو قطعاً از رسولان خداوند هستی و بر راهی مستقیم قرار داری» مقصود از یس چیست؟ علمای مجلس گفتند: معنی یس، محمد صلی الله علیه و آله است و کسی در آن شک ندارد. امام رضا علیه السلام فرمود: در این آیه شریفه، خداوند متعال بر محمد و آل محمد فضیلتی عنایت کرده است که کسی نمی تواند حقیقت آن را ادراک کند، مگر از راه تعقل و تفکر. چرا که خداوند در کتاب مقدس خویش، به غیر از انبیاء علیهم السلام بر هیچ کس سلام نفرستاده و فرمود: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ!» [۱۱]؛ «سلام بر نوح در میان جهانیان» و فرمود: «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ»؛ [۱۲] «سلام بر ابراهیم باد» و فرمود: «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ»؛ [۱۳] «سلام بر موسی و هارون» و در هیچ جای قرآن نفرموده است: «سلام علی آل نوح و سلام علی آل ابراهیم و سلام علی آل موسی و هارون»؛ فقط فرمود: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» [۱۰]؛ «یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله». مأمون با شنیدن این تفسیر دلنشین و ارتباط آیات با بیان عالی حضرت رضا علیه السلام، رو به حاضرین جلسه کرده و گفت: اکنون فهمیدم که شرح این آیات و بیان آنها در نزد معدن نبوت و اهل بیت عصمت علیهم السلام می باشد. حضرت در آن جلسه و در ادامه سخنان خویش به آیه ای دیگر استناد کرده و برتری عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را بر دیگران اثبات کرد. امام آیه «فَسَيَأْتُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ [۱۱] «اگر نمی دانید از اهل ذکر [آگاهان] پرسید». را قرائت کرده و فرمود: ما اهل ذکر هستیم، اگر نمی دانید از ما خانواده (اهل بیت علیهم السلام) پرسید. برخی از اندیشمندان گفتند: به نظر ما مقصود خداوند از اهل ذکر علمای یهود و نصاری هستند که به برخی از مسائل آگاهی دارند. امام هشتم فرمود: سبحان الله! اگر ما پرسیدیم و آنها هم به دین خود دعوت کردند و گفتند: دین ما بهتر از دین اسلام است، آیا چنین کاری بر ما جایز است؟! مأمون گفت: ای ابالحسن! آیا ممکن است این سخن را بیشتر شرح دهید تا خلاف ادعای اینها ثابت شود. حضرت فرمود: بلی، «ذکر» رسول الله است و ما نیز اهل [و خانواده] آن حضرت هستیم. این معنا در کتاب خداوند بیان شده است، آنجا که می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ»؛ [۱۲] «تقوای الهی پیشه کنید ای خردمندانی که ایمان آورده اید! زیرا خداوند ذکر را بر شما فرستاد؛ رسولی که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند». پس ذکر، رسول الله است و ما هم اهل ذکر هستیم. [۱۳].

## ولایتعهدی چرا؟

شخصی به امام رضا علیه السلام اعتراض کرد که شما چرا ولایتعهدی را پذیرفته و در دستگاه طاغوتی مأمون وارد شدید؟ در حالی که شما اهل بیت، انسانهای پاک و مطهر و از ستمگران بیزار هستید! امام رضا علیه السلام فرمود: آیا شأن پیامبر بالاتر است یا شأن جانشین پیامبر؟ گفت: شأن پیامبر. امام دوباره از شخص معترض سؤال کرد: یک پادشاه مشرک بدتر است یا یک پادشاه مسلمان فاسق؟ گفت: پادشاه مشرک. فرمود: آیا جرم کسی که همکاری با دستگاه جور را خود درخواست کند بالاتر است یا کسی که با زور وادار به همکاری اش کنند؟ گفت: آن کسی که خود درخواست کند. امام رضا علیه السلام بعد از این پاسخها فرمود: یوسف صدیق پیامبر بود و عزیز مصر کافر مشرک. حضرت یوسف خود تقاضا کرد که با حکومت کفر همکاری کند، قرآن در این زمینه از زبان آن نبی والا- مقام می فرماید: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»؛ [۱۴] «مرا به سرپرستی خزینه‌های سرزمین [مصر] بگمار که پاسداری دانا هستم.» [البته حضرت یوسف با این عمل خود می‌خواست مقامی را اشغال کند که از آن بهترین استفاده را بکند.] عزیز مصر کافر بود و مأمون مسلمان فاسق. یوسف علیه السلام پیامبر بود و من وصی پیامبرم. یوسف پیشنهاد همکاری با حکومت داد ولی مرا به این کار مجبور کرده‌اند. [۱۵]. به این ترتیب حضرت رضا علیه السلام به مرد پرسشگر فهمانید که من کاری کرده‌ام که یک پیامبر الهی انجام داده است و آن هم مورد رضایت الهی بود.

## شریک در عبادت

حسن بن وشاء می گوید: روزی محضر حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم. دیدم در مقابل آن جناب آفتابه‌ای هست و می‌خواهد وضو بگیرد و برای نماز آماده شود. جلو رفته و خواستم، آب بر روی دستان مبارکش بریزم. فرمود: صبر کن حسن! عرض کردم! چرا اجازه نمی‌دهید آب بر دست شما بریزم، آیا مایل نیستید من به ثوابی برسم؟ فرمود: تو ثواب می‌بری ولی من گناه! پرسیدم: چرا؟ فرمود: مگر این آیه قرآن را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛ [۱۶] «پس هر کس به لقای پروردگارش امید دارد باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت خدای خود کسی را شریک نکند.» من اکنون می‌خواهم وضو بگیرم و نماز اقامه کنم، این خود عبادتی است، مایل نیستم کسی در عبادتم شریک شود. [۱۷].

## نیرنگ طاغوت

در طول تاریخ، ستمگران زیادی کوشیده‌اند تا با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام مقابله کرده و نور الهی را خاموش کنند؛ اما اراده خداوند متعال بر استمرار و فراگیر شدن معارف اهل بیت علیهم السلام در سر تا سر گیتی قرار گرفته است و کسی را توان آن نیست که به مقابله با انوار درخشان هدایت برخاسته و نور آنان را به سوی خاموشی بکشاند، چرا که «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلًّا أَنْ يُتَمَّ نُورُهُ وَ لَمْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ [۱۸] «آنان می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران نخواهند.» کرامت زیر یکی از نمونه‌های الطاف خداوندی بر ائمه اهل بیت علیهم السلام و مصداق بارزی از این حقیقت قرآنی است. هرثمه بن اعین، معروف به خواجه مراد، از یاران ویژه و شیفتگان حضرت رضا علیه السلام است. او در این مورد می‌گوید: در دربار مأمون شایع شده بود که امام رضا علیه السلام از دنیا رفته است. برای آگاهی از صحت و سقم ماجرا به دربار مأمون رفتم و در مورد این خبر، از یکی از خدمتکاران ویژه مأمون که شخص مورد اعتمادی بود پرس و جو کردم و او برای من چنین توضیح داد: مأمون مرا در آغاز شب به همراه سی نفر از غلامان مورد اعتماد خویش طلبیده و به ما گفت: مرا به شما حاجتی است که اگر آن را بر آورید، به هر یک از شما یک همیان پر از طلا و ده ملک



مستقل می‌دهم و تا زنده‌ام شما از مقربان من خواهید بود. آیا حاضرید حاجت مرا برآورید؟ همه گفتند: اطاعت خلیفه بر ما واجب است! آنگاه دستور داد به هر یک از ما یک شمشیر زهر آلود دادند و گفت: همین ساعت به منزل علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌روید و دور او را می‌گیرید و با این شمشیرها او را قطعه قطعه می‌کنید و خون و مو و گوشت و استخوانش را مخلوط می‌کنید و این دستور را پنهان کنید و به هیچ کس نگویید. ما طبق دستور به طور ناگهانی به منزل حضرت رضا علیه السلام رفتیم، آن حضرت در رختخواب به پهلو خوابیده بود و کلماتی را زمزمه می‌کرد که ما نفهمیدیم. دورش را گرفتیم، به او حمله کرده و بدنش را قطعه قطعه کرده و خون شمشیرهای خود را با رختخواب آن جناب پاک کرده و سپس به منزل مأمون بازگشتیم و خبر کشتن امام را به او دادیم. مأمون از ما تشکر کرد و به ما اجازه مرخصی داد. چون صبح زود نزد مأمون رفتیم، دیدم لباس سیاه عزا در بر کرده و با سر و پای برهنه قصد دارد از منزل بیرون آمده و به عزاداری پردازد. من جلو در با او همراه شدم وقتی که نزدیک حجره امام رضا علیه السلام رسیدیم، صدای آن حضرت به گوش ما رسید، مأمون لرزان و مضطرب شد و به من گفت: زود به حجره داخل شو و خبری برایم بیاور! وارد حجره شدم، با کمال شگفتی دیدم آن حضرت در کمال سلامتی، مشغول عبادت است. به من رو کرده و فرمود: ای صبیح! «يُرِيدُونَ لِيُطْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» [۱۹] «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید.» سپس فرمود: «سوگند به خدا نیرنگ آنها به ما ضرر نمی‌رساند تا وقتی که اجل فرا رسد.» هنگامی که به سوی مأمون بازگشتم و خبر سلامتی امام را به او اطلاع دادم، صورتش تیره و تار شده و با کمال ناراحتی و شرمندگی لباس عزا را از تن بیرون آورد. هرثمه می‌گوید: بعد از شنیدن این خبر، خداوند را بسیار شکر کرده و به حضور امام علیه السلام رفتم. حضرت فرمود: این راز را به هیچ کس مگو؛ مگر به کسی که قلبش سرشار از ایمان و ولایت ما اهل بیت باشد. آنگاه فرمود: هرثمه! به خدا سوگند، خدعه‌ها و نقشه‌های آنان تا خدا نخواهد هیچ آسیب و گزندى به ما نمی‌رساند. [۲۰]. بس تجربه کردیم در این دیر مکافات با آل علی هر که درافتاد بر افتاد

### هشدار به متولیان بیت المال

حضرت رضا علیه السلام گاهی برای دفاع از سخنان حق، از آیات قرآن دلیل می‌آورد و به این وسیله حقانیت موضع گیری‌های خود را به اثبات می‌رسانید. شیخ صدوق می‌نویسد: مأمون در خراسان روزهای دوشنبه و پنج شنبه ملاقات عمومی داشت، در یکی از این ملاقات‌ها که حضرت رضا علیه السلام نیز حضور داشت مردی صوفی را به اتهام دزدی دستگیر کرده و به مجلس او آوردند. مأمون به چهره‌ی وی نظری انداخته و با دیدن آثار عبادت در پیشانی‌اش، با عصبانیت فریاد زد: چه کار زشتی انجام داده‌ای، با این سیمای به ظاهر معنوی که داری! آیا تو دزدی کرده‌ای؟! متهم گفت: من از روی ناچاری و اضطرار به این کار دست زده‌ام و اختیاری نبوده است، زیرا تو حق مرا از خمس و غنیمت نداده‌ای و فقر و فلاکت مرا به دزدی کشانده است. مأمون گفت: تو چه حقی در خمس داری؟ متهم گفت: خداوند متعال خمس را به شش سهم تقسیم کرده و به شش گروه اختصاص داده است و فرموده: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» [۲۱] «بدانید هر چه از غنیمت بدست آوردید، خمس آن برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیکان آن حضرت و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است.» همچنین در سوره حشر «فِیء» را به ۶ قسمت تقسیم کرده و فرمود: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» [۲۲]؛ «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا [این اموال عظیم] در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.» ای مأمون! یکی از مستحقین خمس و غنیمت، ابن سبیل و درمانده در راه است و من از آنهایم. مستمندی هستم که راه به جایی ندارم و دستم از همه جا کوتاه است و ضمناً از قاریان و حافظان قرآن هم

هستم. مأمون چهره در هم کشیده و گفت: به خیال تو، من با این یاوه سرائی‌ها حدی از حدود الهی را ترک کنم و حد سرقت را جاری نسازم؟! مرد متهم پاسخ داد: اول اجرای حدود الهی را از خودت شروع کن و اول خودت را پاک کن بعد دیگری را... می‌زنی خود، پشت پا بر راستی راستی از دیگران می‌خواستی؟ حد به گردن داری و حد می‌زنی؟ گر یکی باید زدن صد می‌زنی؟ مأمون با شنیدن این کلمات افشاگرانه که با گستاخی تمام ادا می‌شد، رو به حضرت رضا علیه السلام کرده و گفت: این مرد چه می‌گوید؟ امام رضا علیه السلام فرمود: او می‌گوید قبل از من دزدی شده و من هم دزدی کرده‌ام. خلیفه شدیداً ناراحت شد و متهم را تهدید کرد که: به خدا قسم دست تو را قطع خواهم کرد. متهم بی‌واهمه اظهار داشت: تو دست مرا قطع می‌کنی، با اینکه بنده و غلام حلقه به گوش منی؟! مأمون گفت: وای بر تو! من از کجا عبد و بنده تو هستم؟ مرد پاسخ داد: از آن جایی که مادر تو کنیز بوده و پدرت او را با پول مسلمانان خریده است. تو بنده تمام مسلمانان در شرق و غرب عالم هستی! مگر اینکه تو را آزاد کنند و اگر همه مسلمانان تو را آزاد کنند من یکی نسبت به سهم خود، تو را آزاد نکرده‌ام. با این همه، تو پول خمس را می‌بلعی و حق آل رسول صلی الله علیه و آله و من و امثال مرا نمی‌دهی؟! گذشته از اینها شخص ناپاک هرگز نمی‌تواند مانند خودش را پاک کند. ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش ای مأمون! انسانهای پاک می‌توانند حدود الهی را جاری کنند، کسی که در گردن او حد باشد چگونه می‌تواند حد الهی را اجرا کند، مگر اینکه اول بر خود او حد اجرا شود. مگر این آیه را نشنیده‌ای که «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» [۲۳]؛ «آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید اما خودتان را فراموش کرده‌اید با اینکه شما کتاب خدا را می‌خوانید؟ آیا نمی‌اندیشید؟» مأمون دوباره متوجه حضرت رضا علیه السلام شده و گفت: یا اباالحسن! درباره این شخص چه می‌فرمائید؟! امام فرمود: خداوند متعال به حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» [۲۴]؛ «دلیل رسا و قاطع برای خداست.» دلیلی که برای هیچکس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد. چنان دلیلی که جاهل با تمام نادانی اش آن را متوجه می‌شود، همان طوری که دانا به وسیله علم خویش آن دلیل را درک می‌کند و دنیا و آخرت به وسیله دلیل و برهان پایدار مانده است. این مرد برای تو استدلال و دلیل اقامه کرد. مأمون وقتی وضع را چنین دید، با در طول تاریخ، ستمگران زیادی کوشیده‌اند تا با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام مقابله کرده و نور الهی را خاموش کنند؛ اما اراده خداوند متعال بر استمرار و فراگیر شدن معارف اهل بیت علیهم السلام در سر تا سر گیتی قرار گرفته است آشفتگی تمام، ملاقات عمومی را تعطیل کرده و دستور آزادی آن مرد را صادر کرده و از اینجا به فکر از میان برداشتن وجود مقدس حضرت رضا علیه السلام افتاد و بالاخره آن حضرت را مسموم کرده و به شهادت رساند. [۲۵].

### جلوگیری از تفسیرهای نادرست

امام هشتم علیه السلام در فرصتهای مناسب، از تفسیرهای نادرست قرآن کریم جلوگیری کرده و معنای صحیح آیه را بیان می‌کرد. در اینجا دو مورد را با هم می‌خوانیم: ۱. حضرت رضا علیه السلام در یکی از جلسات علمی که در دربار مأمون تشکیل شده بود، حسن بن موسی و شاء از دانشمندان بغدادی که به نمایندگی از سوی علمای عراق در آن جلسه حضور یافته بود را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود: اهل عراق این آیه قرآن را چگونه قرائت می‌کنند؟! «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»؛ [۲۶] ای نوح! او از اهل تو نیست، او عمل غیر صالحی است.» او پاسخ داد: «یابن رسول الله! بعضی طبق معمول «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» او فرزند نا صالحی است.» قرائت می‌کنند، اما بعضی دیگر بر این باورند که خداوند هرگز پسر پیامبری را مشمول قهر و غضب خود قرار نمی‌دهد و آیه را «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»؛ «او فرزند آدم بدی است؛ فرزند تو نیست.» قرائت می‌کنند و می‌گویند: او در واقع از نسل نوح نبود. خداوند به او گفت: ای نوح او از نسل تو نیست. اگر از نسل تو می‌بود من به خاطر تو او را نجات می‌دادم. امام علیه السلام فرمود: ابداً اینطور نیست؛ او فرزند حقیقی نوح و از نسل نوح بود. چون بدکار شد و امر خدا را عصیان کرد، پیوند معنوی

اش با نوح بریده شد و به نوح گفته شد: این فرزند تو ناصالح است، از این رو نمی‌تواند در ردیف صالحان قرار گیرد. [۲۷]. ۲. امام هشتم علیه السلام گاهی با دانشمندان علم کلام و اهل حدیث و اندیشمندان اهل سنت به گفتگو می‌نشست و درباره آیات الهی و صفات ربوبی با آنان به جدال احسن و مناظره منطقی می‌پرداخت. گزارش یکی از این جلسات را با هم می‌خوانیم: ابو قرّه محدث از صفوان بن یحیی یار دیرین امام هشتم علیه السلام درخواست کرد تا جلسه گفتگویی را با امام رضا علیه السلام ترتیب دهد. ابو قرّه محدث در آن نشست بعد از طرح پرسش‌هایی در مورد احکام دین و حلال و حرام، سخن را به موضوع توحید کشانیده و از صفات پروردگار سخن گفت؛ وی از امام رضا علیه السلام پرسید: به ما روایت کرده‌اند که خداوند هم سخن بودن خود را به حضرت موسی علیه السلام و دیدار خود را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله عطا کرده است! آیا چنین است؟ امام فرمود: ای ابو قرّه! به من بگو، این آیات را چه کسی بر جن و انس ابلاغ کرده است؟! «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»؛ «دیده‌ها او را درک نمی‌کنند»، «وَلَا يَحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا»؛ «دانش مخلوقات به او احاطه نمی‌کند». «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»؛ «چیزی مانند او نیست». آیا به غیر از محمد صلی الله علیه و آله کسی دیگر این آیات را به ما رسانده است؟ ابو قرّه گفت: درست است؛ این آیات را حضرت محمد صلی الله علیه و آله آورده است. امام فرمود: چگونه ممکن است فردی به سوی تمام مخلوق بیاید و به آنها اعلام کند که من از طرف خدا آمده‌ام و مردم را با فرمان خدا به سوی خدا بخواند و این آیات را بر آنان تلاوت کند، سپس همین مرد الهی برخلاف آیات وحیانی که از سوی خدا آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند آورده است، بگوید: من به چشم خود خدا را دیدم و به او احاطه علمی پیدا کردم و او به شکل انسان است!! آیا شما خجالت نمی‌کشید؟! زندیق‌ها نتوانستند چنین نسبتی به پیامبر صلی الله علیه و آله بدهند که محمد صلی الله علیه و آله از جانب خدا چیزی آورد و سپس از راه دیگر، خلاف آن را گفت. ابو قرّه در پاسخ گفت: خداوند خودش می‌فرماید: «وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى»؛ [۲۸] «و بار دیگر در فرود آمدن او را مشاهده کرد.» امام علیه السلام در جواب فرمود: در همین سوره آیه دیگری است و آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله دیده توضیح می‌دهد. خداوند در آنجا می‌فرماید: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى»؛ [۲۹] «دل آنچه را دید دروغ نشمرد.» یعنی دل محمد صلی الله علیه و آله آنچه را که چشمش دید، دروغ ندانست. سپس در همین سوره، خداوند آنچه را که محمد صلی الله علیه و آله دیده است خبر می‌دهد و می‌فرماید: «لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» «پیامبر صلی الله علیه و آله از آیات و نشانه‌های بسیار بزرگ پروردگارش دید.» دیدن آیات خداوند غیر از دیدن خود اوست و باز هم خداوند می‌فرماید: «مردم احاطه علمی به خدا پیدا نمی‌کنند.» در صورتی که اگر دیدگان او را ببینند علمشان به دریافت و شناخت او احاطه پیدا کرده است. ابو قره گفت: پس روایات را تکذیب می‌فرمائید؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: بلی! هرگاه روایات مخالف قرآن باشند، آنها را تکذیب می‌کنم و آنچه مسلمانان به آن اتفاق دارند این است که احاطه علمی به خدا نمی‌توان یافت. چشمها از ادراک او عاجزند و چیزی مانند او نیست. [۳۰].

## پاورقی

- [۱] عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸. [۲] عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۲۲. [۳] کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۵. [۴] مسند الرضا علیه السلام، ص ۲۹۴. [۵] احزاب/۵۶. [۶] یس/۴. [۷] صافات/۷۹. [۸] صافات/۱۰۹. [۹] صافات/۱۲۰. [۱۰] صافات/۱۳۰. [۱۱] انبیاء/۷. [۱۲] طلاق/۱۰ و ۱۱. [۱۳] عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹۳. [۱۴] یوسف/۵۵. [۱۵] عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۷. [۱۶] کهف/۱۱۰. [۱۷] کافی، ج ۳، ص ۶۹. [۱۸] توبه/۳۲. [۱۹] صف/۸. [۲۰] دلائل الامامه، ص ۳۶۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۲. [۲۱] انفال/۴۱. [۲۲] حشر/۷. [۲۳] بقره/۴۴. [۲۴] انعام/۱۴۹. [۲۵] علل الشرایع، علت شهادت امام رضا علیه السلام. [۲۶] هود/۴۶. [۲۷] بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۶۵؛ داستان راستان، ج ۲، ص ۲۹۴. [۲۸] النجم/۱۳. [۲۹]

---

همان / ۱۱. [۳۰] اصول کافی، کتاب التوحید، باب فی ابطال الرؤیة، حدیث ۲.